



علوی

پایه سوم، شماره ۲

گنجینه‌ی تابستان

این قصه:

ایران عزیز

ایران عزیز



در گوشه‌ای پهناور از این جهان، سرزمینی به نام ایران وجود دارد؛ سرزمینی که از روزگاران بسیار دور تا به امروز، همچون گوهری می‌درخشد. این سرزمین، خانه‌ای بزرگ و دوست‌داشتنی برای همه ماست که در هر وجب از خاکش، نعمتی نهفته است. وقتی به نقشه‌ی این خانه‌ی زیبا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که از شمال به موج‌های آرام دریای خزر تکیه داده و از جنوب، پاهایش را در آب‌های نیلگون خلیج فارس گذاشته است؛ خلیجی که نام مقدس و دل‌انگیزش، برازنده‌ترین نام برای اوست و تا ابد هم فارس باقی می‌ماند. در آغوش این سرزمین، مردمی زندگی می‌کنند که به صبوری و مهربانی شناخته می‌شوند. این مردم، عاشقانه وجب به وجب خاکشان را دوست دارند. ایران ما تنها یک سرزمین معمولی نیست؛ او مهد فرهنگ و هنر است که همیشه به جهان خدمت می‌کند. همین حالا که ما در حال خواندن این کلمات هستیم، نام بزرگان این خاک مثل سعدی، حافظ، فردوسی و بوعلی سینا در تمام دنیا می‌درخشد و نشان می‌دهد که این خاک چقدر دانش‌پرور و هنر خیز است. اما این همه زیبایی و ثروت، همیشه چشم‌های حریص و طمع‌کار را به سوی خود می‌کشاند. کسانی هستند که می‌خواهند این نعمت‌ها را از ما ببرایند. به همین دلیل، ما ایرانی‌ها همیشه بیدار و هوشیار باقی می‌مانیم. ما می‌دانیم که اگر لحظه‌ای غفلت کنیم، ممکن است بدخواهان به دارایی‌هایمان دست‌درازی کنند. ما از هیچ خطر و مشکلی نمی‌هراسیم و با تمام وجود از ایران عزیز محافظت می‌کنیم؛ چون این سرزمین، شناسنامه و ریشه‌ی ماست. ایران، با تمام زیبایی‌های فریبنده‌اش، همیشه برای ما عزیز و مقدس باقی می‌ماند.



فرزندم با توجه به متن به سوالات زیر پاسخ بده.

۱_ ایران در طول تاریخ چه خدماتی به فرهنگ و دانش جهان ارائه کرده است؟

.....

.....

۲_ مردم ایران با چه ویژگی هایی شناخته می شوند؟

.....

.....

۳_ وظیفه‌ی ما در برابر کسانی که به نعمت‌های ایران چشم طمع دارند چیست؟

.....

.....

